

### متن پرسش

سلام علیکم: ضمن آرزوی توفیقات الهی برای حضرتعالی: اینجانب دیروز جهت ارائه سند برای ضمانت دوستی به دادسرا مراجعه نمودم، در گذشته هم به دلایل گوناگون سرو کارم زیاد به این مجموعه های قضایی افتاده است، من نمی دانم که آیا شما به این گونه مجموعه ها مراجعه داشته اید یا خیر؟ من کاری به این که قضات ما از نظر مالی فاسد هستند یا نیستند ندارم چونکه راجع به فساد مالی برخی از قضات شنیده ام اما تا کنون خودم چیزی ندیدم، اما سوال اساسی من راجع به فساد اخلاقی این آقایان است، که فکر نمی کنم از فساد مالی بی اهمیت تر باشد، اینهایی که عرض می کنم مشاهدات خودم هست. نحوه برخورد در این بی سرو سامان ترین ارگان کشور گریه آور و تاسف برانگیز است، مهم نیست که شاکی باشی یا مجرم، ظالم باشی یا مظلوم، بلکه نحوه برخورد با تو در حد یک مسلمان نیست، در حد یک انسان هم نیست، در حد یک حیوان هم نیست، چونکه ما در آموزه های خود دستور به برخورد مهربانانه با حیوانات داریم! مشکل اساسی در این نهاد اخلاق است. حکم این دادگاهها مبنی بر محکومیت و زندان «اخلاق و انسانیت» تا اطلاع ثانویست، آیا تا کنون به دادگاهها رفته اید اگر نرفته اید بگذارید تا قسمتی از مشاهداتم را برایتان بگویم، اینها واقعیات درون دادگاه هاست: برخوردشان با تو تداعی کننده برخورد شاه با رعیت است. باید خیلی مودب و با احتیاط وارد شوی و سرت را کج کنی و با کرنش و و ادب به یک منشی ساده دفتر سلام کنی ولی او جوابت را ندهد، دوباره سلام می کنی باز هم جوابت را نمی دهد. درخواستت مثلا مبنی بر دادن یک فرم ساده را بیان می کنی و او با تشر به تو می گوید بیرون باش تا صدایت کنم. و تو می گویی چشم! و بعد انتظار... انتظار... انتظار... و اگر دوباره با احتیاط به درون اتاق بخزی و با گردنی کج تر از قبل بگویی جناب ببخشید این کار من انجام شد با تشر دوباره او به بیرون از اتاق فرار کنی! بالاخره به تو بگوید برو از رو این فرم یک کپی بگیر و بیاور. از یمن و برکت تدبیر و مدیریت درست مسئولین این نهاد! ساده ترین کارها در این مجموعه ها برای سخت ترین کارها می شوند، فی المثل گرفتن یک فتوکپی ساده، باید از طبقه ششم بروی به طبقه اول (چون در شش طبقه دادگاه فقط یک دستگاه کپی وجود دارد) و دوباره برمی گردی طبقه ششم وقتی فرم را پر می کنی و به سر دفتر محترم می دهی می گوید برو از این فرم هم یک کپی بگیر و بیاور دوباره از طبقه ششم به اول، از طبقه اول به ششم، دوباره می گوید برو از این فرم هم یک کپی بگیر دوباره از طبقه ششم به اول، از طبقه اول به ششم و اگر در این اثنا بگویی خوب چرا همه فرمها را نمی دهی تا یک جا کپی بگیرم که آنقدر بالا و پایین نشوم، به مقام شامخ همایونی او برمی خورد و مورد غضبش واقع می شوی. آن روز تا آخر وقت نگهت میدارت و

سپس روانه ات می کند تا فردا بیایی و اظهار اندامت کنی، و اگر دوباره اعتراض کنی زنگ می زند یک سرباز تو را بیرون بیاندازد و اگر باز اعتراض کنی احتمالا بازداشت می شوی تا دیگر از این غلط ها نکنی، اینها که گفتم فقط در برخورد با یک سر دفتر ساده می بینی، قاضی که اجل و افضل و اکمل از اینست که تو او را ببینی، باید بگویی این هو؟! و مواظب باشی تا صاعقه خشمش کوه وجودت را نخراند! خوب این شد همانی که می خواستیم؟! حضرت استاد به نظرم می رسد شما در پاسخ به سوال دوستان در مواجهه احمدی نژاد با قوه قضائیه دچار یک اشتباه شده اید و به همین خاطر هم ذهن مخاطب از شما راضی نمی شود و آن هم اینست که اصلا بحث احمدی نژاد نیست که حالا بگوییم ولایتمدار هست یا نیست بحث اصلی نارضایتی از عملکرد قوه قضائیه است، این اشخاصی که با احمدی نژاد همدردی می کنند به دلیل همزاد پنداری با او در مواجهه با قوه قضائیه اند نه به دلیل قبول داشتن او، چونکه همه آنها حتی طرفداران سرسخت او هم قبول دارند که احمدی نژاد مشکلاتی دارد اما اصلا بحث احمدی نژاد نیست، بحث مردم است، بحث اینست که این ساختار فاسد (حداقل فاسد در اخلاق اگر قائل به فساد در ابعاد دیگر در این قوه پاک و مطهر! نباشیم) قبل از احمدی نژاد خون مردم را در شیشه کرده. اعتراض آیت الله مکارم شیرازی و گاه مراجع دیگر به نحوه عملکرد قوه قضائیه قبل از همه این صحبتها بود. اعتراض آیت الله علم الهدی قبل از این غائله بود. اینها حتی در برخورد با امام جمعه مشهد آیت الله علم الهدی که خودش صاحب منصب است و نماینده رهبریت طوری رفتار کردند که ایشان از فقدان تحمل نقد در رئیس قوه قضائیه تعجب کرد! حرف احمدی نژاد اینست که وقتی با من و معاونینم که روزی رئیس جمهور این مملکت بودم اینگونه است با مردم چگونه خواهد بود؟ حرف مردم هم همین است. اصلا حرف حقانیت احمدی نژاد نیست. حرف ظلم به احمدی نژاد و بقایی و جوانفکر هم نیست، حرف مظلومیت مردم است. با خود می گویی آیا خون شهدای دفاع مقدس، این بزرگمردان تاریخ بشر ریخته شد تا این افراد پشت میز حکمیت و داوری بنشینند، قوه قضائیه با اداره آب و فاضلاب یا برق یا گاز یا سایر نهادهای دولتی یکسان نیست، قوه قضائیه نماد حاکمیت یک جامعه است، قاضی تکیه به جایگاه خدا زده است (الحکم لله)، قاضی نماینده ولی فقیه است از طرف او منصوب است به اعتبار او قاضیست. پدرم در قوه قضائیه پرونده ای داشت که آن طرف قضیه یک ارگان دولتی بود و می خواست پولی که اصلش پول زور بود را با محاسبه نرخ تورم بگیرد ولی به آنجا نرفت تا حکم بر علیه او دادند، به او می گفتم خوب برو به قاضی این مطالب را بگو، گفت من به آنجا نمی روم چون قاضی اصلا به حرف ما گوش نمی کند، اولین بار که به آنجا رفتم تا از در اتاق وارد شدم وقتی مرا برای اولین بار دید گفت برو بیرون پیرمرد دروغگو! به نظر شما این شخص می تواند حکم کند، کسی که در اولین برخورد قبل از اینکه حرفی بزنی تو را دروغگو خطاب می کند و به تو تهمت می زند و برخوردش آنچنان قهری است که شخص حاضر است محکوم شود ولی دیگر پیش او نرود کسی که اخلاقش اینگونه فاسد است چگونه لیاقت دادن حکم را پیدا می کند و نمونه هایی که خود اینجانب دیده ام که یک الف بچه به اسم قاضی پشت میز نشسته

که نه سواد قضاوت دارد (برای قضاوت و صدور حکم می گفت باید ببینم نظر سر دفتر چیست!) و نه آداب رفتار با مردم را، طوری که با مرد مسنی که شاید سن پدر او را داشت چنان رفتار می کرد که انگار با نوکر خانه پدری! و آیا می توان فساد اخلاقی را در این آقایان انکار کرد، اصلا حرف حکم ناحق هم نیست، حرف اینست که چرا یک چنین فرد فاسد اخلاقی باید تکیه بر تخت صدور حکم بزند؟ رهبری هم که می فرمایند من به این مسائل بیشتر از شما آگاهم، خوب ایشان بفرمایند نظر ایشان برای بهبود وضع اسفناک این قوه چیست، و اگر آن نظرات را اعمال فرموده اند چرا وضع این قوه بعد از ۴۰ سال که از عمر پر برکت انقلاب می گذرد هنوز اینقدر خراب است؟ مطمئنم که این سوال همه نیروهای انقلابی است. (هر چند که جرات بیان آن را حتی در درون خود هم ندارند) و آن اینکه مشکلات دولت را می گوئیم انتخاب مردم است و رهبری خود را مقید به همراهی و تقویت او می دانند اما قوه قضائیه چه؟ قوه قضائیه را که مستقیم خود آقا رئیسیش را انتخاب می کنند، آنجا دیگر چرا؟ با توجه به اینکه مشکلات قوه قضائیه کمتر از مشکلات قوه مجریه نیست. قصه، قصه احمدی نژاد نیست قصه قصه پر غصه قوه قضائیه است. شما که می فرمایید من در پاسخ دادن به دنبال جواب به دغدغه سوال کننده هستم و نه جواب به سوال او من فکر می کنم دغدغه همه سوال کنندگان امروز اینست. اصلا فرض کنیم احمدی نژاد نیست فرض کنیم احمدی نژاد دق کرد و مرد! آیا مشکل فساد اخلاقی، سیاسی، مالی، در قوه قضائیه حل می شود؟ آیا تا کنون هیچ گزارش خبری از انتقاد مردم به این قوه در رسانه ها یا حتی شبکه های مجازی پخش شده است؟ آیا هیچ نقدی از هیچ مقامی به این قوه صورت گرفته است؟ همه از این قوه می ترسند شاید بهتر است اسمش را بگذاریم قوه واهمه. سوال دیگرم به وظیفه ما در حل مشکلات این قوه برمی گردد، آیا ما هیچ وظیفه ای در مقابله با این فساد نداریم، و اگر داریم وظیفه ما چیست؟ سوال اصلی من نحوه برخورد نیروی های انقلابی با قوه قضائیه است. آیا وظیفه ما سکوت است چون مقام معظم رهبری رئیس این قوه را تعیین کرده اند؟ و اگر وظیفه ما نقد است در کجا و کدام روزنامه و یا حتی شبکه مجازی اجازه پخش انتقادات خود را داریم؟ درد خود را کجا باید بیان کنیم؟ لطفا یک راهکار عملی برای نحوه انتقاد از ساختار اداری و قضایی این مجموعه بیان کنید. من خواهش می کنم که این سوال و جواب آن را در سایت بزنید و جوابی قانع کننده به آن مرحمت فرمائید، جوابی که نه من بلکه امثال من که در این کشور کم نیستند را هم قانع کند. در آخر از اینکه مصدع اوقات شریفتان گشتم از شما حلالیت می طلبم و از خداوند متعال برای شما آرزوی عافیت و حسن عاقبت و توفیق روز افزون در روشنگری ارشاد نسل جوان می نمایم. و من الله توفیق.

متن پاسخ

- باسمه تعالی: سلام علیکم: ما بخواهیم و نخواهیم این در سنت الهی جاری است که انحطاط یک ملت از ضعف عقلانیت و اخلاق است. و تا دردهای اخلاقی جبران نشود، نباید از انحطاط مصون بود.

محبت به انسان‌ها که از طریق اخلاق پیش می‌آید، موجب رعایت حقوق افراد می‌شود و انسان‌ها احساس می‌کنند با رعایت اخلاق، معنا پیدا کرده‌اند. لذا انسان‌هایی که امکانات داشته باشند ولی رعایت اخلاق را جهت معنابخشی به زندگی نکنند، برای ادامه‌ی زندگی بی‌انگیزه می‌شوند.

آنچه شما بعضاً در نظام قضایی با آن روبه‌رو هستید به جهت همان بداخلاقی و عدم تواضع و عدم محبت است. وای به حال ما اگر نتوانیم با آموزه‌های اسلامی به اخلاق لازم جهت سر و سامان‌دادن به جامعه، همت کنیم. و انتظار می‌رود که در نظام قضایی جمهوری اسلامی حتی یک مورد از آنچه شما با آن روبه‌رو شده‌اید، در میان نباشد. با این‌که بنده در جریان هستم حقیقتاً انسان‌های دلسوز و متعهدی در قوه‌ی قضائیه مشغول فعالیت‌اند که خودشان از همه بیشتر نسبت به چنین مواردی نگران هستند. موفق باشید